

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ترون شین و...
تایپ و ارسال: همایون اوریا
۱۸ مارچ ۲۰۲۴

دو اثر از تجربیات ویتنام

(۴)

دیکتاتوری دموکراسی توده نی:

بنابر دکترین مارکس، طبقه کارگر پس از تصرف قدرت باید حکومت خود را، حکومت دیکتاتوری پرولتاریا را، تأسیس کند.

وظائفی که بلافاصله پس از قدرت به عهده طبقه کارگر قرار داده می شود، بسیار سنگین است. سرکوب هرگونه مخالفت طبقات استثمارگر، در هم کوبیدن هر گونه اقدام جهت بازگرداندن حکومت سرمایه داری، متحد ساختن تمام اقشار زحمتکش به گرد طبقه کارگر به منظور انجام دگرگونی های سوسیالیستی، ساختمان سوسیالیسم، کمونیسم و پایه گذاری جامعه ای بدون طبقه، کوشش با تمام نیرو برای ساختمان و تقویت دفاع ملی، برای در هم شکستن هر گونه دسیسه خصمانه و تجاوزگرانه امپریالیسم، پشتیبانی و کمک در کلیه زمینه ها به مبارزه انقلابی طبقه کارگر، زحمتکشان و خلق های تحت ستم سائر کشور ها، برای تأمین پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در سراسر جهان.

برای به ثمر رساندن این وظائف سنگین، طبقه کارگر باید لزوماً دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار نماید. مارکس گفته است: " بین جامعه سرمایه داری و جامعه کمونیستی، دوره دگرگونی انقلابی اولی به دومی قرار دارد، که به آن یک مرحله گذار سیاسی مربوط می گردد که طی آن دولت چیزی نیست مگر دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا. " (۱)

لنین نیز خاطر نشان کرده است: " تنها کسانی جوهر دکترین مارکس در باره دولت را جذب کرده اند که فهمیده باشند دیکتاتوری یک طبقه ضروری است. و این نه تنها به طور کلی در مورد تمام جوامع طبقاتی و نه تنها برای پرولتاریا که بورژوازی را سرنگون کند، بلکه برای تمام دوران تاریخی که سرمایه داری را از " جامعه بی طبقه " یعنی کمونیسم مجزا می کند، نیز صادق است. (۲)

با به کار بردن تئوری دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه به هنگام هر دو مرحله انقلاب - انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی - لنین با این جملات از دیکتاتوری - در مرحله انقلاب دموکراتیک سخن گفته است:

" پیروزی قطعی انقلاب بر تزارسم، یعنی استقرار دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی پرولتاریا و دهقانان... و این پیروزی همانا یک دیکتاتوری خواهد بود. یعنی که انقلاب ناگزیر باید به نیروی مسلح، به تسلیح توده ها و به قیام اتکاء نماید و نه به ارگان های مختلفی که " قانوناً " ایجاد شده اند و یا به روی " راه مسالمت آمیز ". این چیز دیگری مگر

دیکتاتوری پرولتاریا نمی تواند باشد. زیرا اجرای اصلاحاتی که برای پرولتاریا و دهقانان ضرورت مطلق و فوری دارد، موجب مقاومت مذبوحانه مالکان ارضی، و بورژوازی بزرگ و تزارسم خواهد شد. بدون دیکتاتوری، در هم شکستن این مقاومت و دفاع حملات ضد انقلابی غیر ممکن خواهد بود. ولی واضح است که این دیکتاتوری یک دیکتاتوری سوسیالیستی نبوده، بلکه دیکتاتوری دموکراتیک است. این دیکتاتوری نمی تواند (بدون طی یک سلسله مراحل بینابینی تکامل انقلاب) به پایه های سرمایه داری گزندی وارد سازد." (۳)

لیکن طبقه کارگر در انقلاب بورژوا دموکراتیک متوقف نمی شود. این انقلاب باید به انقلاب سوسیالیستی گذار کند. هنگامی که انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی مبدل گردد، دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان (دیکتاتوری کارگر و دهقانان) مبدل به دیکتاتوری پرولتاریا می شود. در این هنگام پرولتاریا برای الغای مالکیت سرمایه داری و استقرار مالکیت جمعی بر وسائل تولید، برای تحقق بخشیدن به دگرگونی سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم، بر انداختن استثمار انسان از انسان، دیکتاتوری را به خدمت می گیرد.

لنین در اثر خود "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی" دگرترین کاملی را در باره تبدیل انقلاب بورژوا دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی عرضه کرده است.

شرایط تاریخی تولد دیکتاتوری کارگران و دهقانان آن چنان است که انقلاب بورژوا دموکراتیک تراز نوین که توسط طبقه کارگر رهبری می شود (با این تفاوت که انقلاب بورژوا دموکراتیک تراز کهن توسط بورژوازی رهبری می شد) به استقرار یک نوع دولت گذار به دیکتاتوری پرولتاریا منتهی می گردد. در حقیقت، در کشور هائی که انقلاب بورژوا دموکراتیک تراز نوین در آنها صورت می گیرد، دیکتاتوری کارگران و دهقانان عبارت است از یک دولت گذار به دیکتاتوری پرولتاریا. این دیکتاتوری مقدمه دیکتاتوری پرولتاریا است و شرایط مناسب را برای تولد آن فراهم می کند.

در تاریخ جامعه بشری دیکتاتوری کارگران و دهقانان جزء مقوله دیکتاتوری پرولتاریا است.

تئوری لنین در باره دیکتاتوری کارگران و دهقانان با تز های مشهورش در باره تحقق بخشیدن به هژمونی انقلابی طبقه کارگر بر مبنای اتحاد کارگران و دهقانان در انقلاب بورژوا - دموکراتیک، در باره تبدیل انقلاب بورژوا - دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی و در باره استقرار دیکتاتوری پرولتاریا یا جهت ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم، ارتباط فشرده دارد.

در ویتنام، پس از پیروزی قیام اوت، جمهوری دموکراتیک ویتنام پا به عرصه وجود گذاشت و دیکتاتوری دموکراتیک توده ئی ما استقرار یافت. این دیکتاتوری که در واقع دیکتاتوری کارگران و دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر است، مبارزه ای سخت را علیه امپریالیست های متجاوز و نوکرانش که نماینده طبقه مالکان ارضی فئودال و فئودال بورژوازی کمپرادور هستند، دنبال می کند. در کشور ما، دیکتاتوری دموکراتیک خلق (دیکتاتوری دموکراسی توده ئی) در مرحله انقلاب ملی دموکراتیک توده ئی، وظایف زیر را دارد:

- در هم شکستن یوغ سلطه امپریالیسم و فئودال های دست نشانده امپریالیسم، بنیانگذاری و تحکیم جمهوری دموکراتیک، استقرار و توسعه رژیم دموکراسی توده ئی، تحقق بخشیدن به معنای واقعی آن به آزادی های دموکراتیک برای خلق.

- سازماندهی مقاومت درازمدت تمامی خلق در تمام سطوح علیه استعمارگران متجاوز فرانسوی.

– اجرای اصلاحات ارضی، الغای رژیم مالکیت فئودالی بر اراضی، تحقق بخشیدن به شعار " زمین از آن کسانی که بر روی آن کار می کنند " بدون آن که پایه های سرمایه داری در کشوری دستخوش تغییر شود.

– ساختمان و توسعه یک اقتصاد و یک فرهنگ ملی و دموکراتیک.

– آماده نمودن شرایط سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی گذار به انقلاب سوسیالیستی.

– تحکیم همبستگی میان خلق ما و خلق های کشور های سوسیالیستی، پشتیبانی از جنبش انقلابی خلق های جهان، دفاع از صلح جهانی.

با اجرای این وظایف، دیکتاتوری دموکراتیک توده ئی ما، در حقیقت نقشی جز نقش دیکتاتوری کارگران و دهقانان بازی نمی کرد.

پس از مقاومت پیروزمندانه در مقابل استعمارگران فرانسوی، شمال کشور ما که کاملاً آزاد گردیده بود، به مرحله انقلاب سوسیالیستی گام گذارد.

وظایف دیکتاتوری دموکراتیک توده ئی ما تغییر کرد: از این به بعد دیگر وظایف تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا را انجام می دهد و این در واقع خود دیکتاتوری پرولتاریا است. (۴)

وظایف دیکتاتوری دموکراسی توده ئی در مرحله انقلاب سوسیالیستی همانا وظایف جهانشمول دیکتاتوری پرولتاریا است که بر شرایط مشخص کشور ما منطبق گردیده است.

– در هم شکستن مقاومت دشمن طبقاتی که توسط انقلاب سرکوب شده است و دسیسه ها و توطئه هایی که در راه استقرار مجدد حکومت بورژوازی به کار می برد.

– جمع آوری توده های وسیع به گرد طبقه کارگر به خاطر دگرگونی های سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم، آماده کردن شرایط برای از بین بردن کامل طبقات.

– ساختمان، تحکیم و تقویت دفاع ملی برای مقابله با هر گونه اقدام جنگ طلبانه و تجاوزگرانه دشمن خارجی، مبارزه با امپریالیسم، استعمار نو و استعمار.

– پشتیبانی و کمک در سطوح مختلف، نسبت به مبارزه انقلابی طبقه کارگر، خلق های زحمتکش و خلق های تحت ستم در کشور هایی با سیستم سرمایه داری. تحکیم و توسعه روابط همکاری متقابل با کشور های سوسیالیستی برادر.

دموکراسی در برابر خلق و دیکتاتوری در برابر دشمنان خلق و سوسیالیسم. اینست محتوای دیکتاتوری دموکراسی توده ئی در شمال کشور ما در حال حاضر.

در باره دموکراسی، تأمین اعمال واقعی قدرت توسط توده های رنجبر و شرکت واقعی ایشان در اداره امور دولت.

دموکراسی سوسیالیستی، کامل ترین نوع دموکراسی، یک دموکراسی واقعی و رژیمی است که یک میلیون بار دموکراتیک تر از دموکراسی بورژوائی است، زیرا تحت دموکراسی سوسیالیستی همه کسانی که کار بدی یا فکری می کنند، حقیقتاً از قید هر گونه ستم و استثمار رها گردیده اند و به صاحب اختیاران حقیقی سرنوشت خویش بدل گشته اند، و واقعاً در قدرت دولتی شرکت می کنند. دموکراسی سوسیالیستی دموکراسی ای است هم سیاسی و هم اقتصادی. در رژیم دموکراسی سوسیالیستی، نه تنها حقوق دموکراتیک سیاسی تمام اهالی، بلکه حتی سطح زندگی مادی و فرهنگی خلق، بر اساس مالکیت سوسیالیستی در هر دو شکل آن – مالکیت تمام خلق و مالکیت دسته جمعی – رو به رشد می رود. هر کس تمام شرایط مادی و معنوی لازم را برای اعمال کامل حقوق دموکراتیک خود رفته رفته در اختیار خواهد داشت. دموکراسی اقتصادی ترجمان خود را در تولید و در توزیع می یابد. دموکراسی در اداره اقتصاد، یکی از وجوه مهم دموکراسی سوسیالیستی است.

در مورد دیکتاتوری، تحقق بخشیدن به دیکتاتوری اکثریت یعنی زحمتکشان بر اقلیت، یعنی ضد انقلابیون و استعمارگران که از تجدید تربیت استنکاف می ورزند. یک دیکتاتوری علناً اعلام شده و نه کتمان شده، یک دیکتاتوری که تضمینی باشد برای الغای تدریجی تقسیم جامعه به طبقات، برای پیشروی به سوی جامعه بدون طبقات، جامعه کمونیستی، و اضمحلال دولت دیکتاتوری پرولتاریا.

در رژیم دموکراسی سوسیالیستی، دشمنان خلق و سوسیالیسم از آزادی های دموکراتیک محروم اند. دولت دیکتاتوری پرولتاریا اجازه سوء استفاده از شعار "دموکراتیزه کردن رژیم" را - سوء استفاده ای که هدفی جز تضعیف و از بین بردن دیکتاتوری پرولتاریا، پائین آوردن ارزش هژمونی انقلابی طبقه کارگر و حزب کمونیست و یا استنکاف از شناسایی آن، تحقق بخشیدن تدریجی ستراتیژی، تکامل مسالمت آمیز، کشاندن تدریجی کشور در راه لیبرالیسم بورژوا مآبانه و رجعت دادن سرمایه داری ندارد - از آنان مطلقاً سلب خواهد کرد. در عین حال باید علیه هر گونه تظاهر ناسیونالیسم بورژوا مآبانه دشمنان انترناسیونالیسم پرولتری - که باعث انفراد کشور می شود و آن را به دامن امپریالیسم جهانی می افکند، مبارزه کرد.

از جانب دیگر، باید علیه بوروکراتیسم و اتوریتاریسم، علیه روح پدر سالاری و کیش شخصیت که در جهت مخالف با روح دموکراسی سوسیالیستی است و موجب عواقب ناگواری برای خلق و دولت می گردد و اغلب توسط ارتجاعیون به منظور فعالیت های ضد انقلابی مورد استفاده می گیرد، مبارزه کرد.

حزب ما معتقد است که دیکتاتوری دموکراسی توده ئی ما، به معنای پایان مبارزه طبقاتی نیست. بلکه عبارت است از ادامه این مبارزه تحت اشکال نوین، با وسائل نوین و در شرایطی که حکومت دیگر در دست طبقه کارگر است.

برای پیشبرد این مبارزه، طبقه کارگر باید همواره رهبری خود را بر بنیان اتحاد کارگران و دهقانان، "بالا ترین اصل دیکتاتوری پرولتاریا" تقویت نماید. در عین حال باید با سایر اقشار خلق وحدت کند. لذا دیکتاتوری دموکراسی توده ئی ما باید اساساً به اتحاد کارگران و دهقانان و در عین حال بر روی جبهه واحد ملی متکی باشد.

دیکتاتوری دموکراسی توده ئی باید لزوماً در برابر ضد انقلابیون و استعمارگران که از تجدید تربیت خود استنکاف می ورزند، متوسل به قهر گردد. به همین جهت ما باید در تحکیم دستگاه سرکوب دولت دموکراسی توده ئی: ارتش توده ای، امنیه توده ای، محاکم توده ای، دادگاه های توده ای و غیره همواره بکوشیم. در عین حال، حزب باید در توسعه دموکراسی در قبال خلق، در اعمال حق سیادت جمعی خلق از طریق حزب، در تدوین اصلاح و تکمیل قوانین سوسیالیستی، در تأمین شرایط لازم برای این که تشکیلات منتخب بتوانند وظایف خود را به عنوان ارگان های عالی قدرت توده ئی، در درجات مختلف، اجراء نمایند، کوشش ورزد. در بین کادر های حزب و دولتی باید علیه بوروکراتیسم و اتوریتاریسم در روابط ایشان با خلق مبارزه کرد. در داخل حزب باید علیه جنون قبضه کردن همه کار ها و جایگزین کردن خود به جای ارگان های حکومتی مبارزه کرد.

لنین گفته است:

"دیکتاتوری پرولتاریا (...) تنها اعمال قهر علیه استثمارگران نیست، حتی عمدتاً به معنای قهر نیست. پایه اقتصادی این قهر انقلابی، وثیقه تحرک و موفقیت آن در اینست که پرولتاریا یک نوع برتر سازمان اجتماعی کار را در مقایسه با سرمایه داری، عرضه و اعمال می کند. اینست عمق قضیه. اینست سرچشمه و وثیقه پیروزی قطعی و اجتناب ناپذیر کمونیسم." (۵)

" خصوصیت اصلی آن (یعنی خصوصیت دیکتاتوری پرولتاریا - ت. ش.) در روح سازماندهی و انضباط پذیری پرولتاریا، این گردان پیشاهنگ و تنها رهبر زحمتکشان، نهفته است. هدف آن برپا داشتن سوسیالیسم، برانداختن تقسیم جامعه به طبقات، تبدیل تمام اعضای جامعه به انسان های فعال، قطع پایه های استثمار انسان از انسان است. این هدف یکباره حاصل نمی گردد. برای این کار احتیاج به یک مرحله گذار نسبتاً طولانی از سرمایه داری به سوسیالیسم است. زیرا سازماندهی مجدد تولید کاری است دشوار. زیرا که برای ایجاد تغییرات ریشه نی در تمام رشته های زندگی احتیاج به زمان است. زیرا آن نیروی عظیم عادت که ذاتی شیوه اداری خرده بورژوازی و بورژوازی است، نمی تواند مغلوب گردد، مگر در یک مبارزه سخت و دراز مدت. " (۶)

برای تحقق بخشیدن به سوسیالیسم و کمونیسم، طبقه کارگر باید با تمام نیرو به پرورش روح سازماندهی و انضباط خود بپردازد. در شجاعت و قریحه خلاقه در کار و نیز رفتار سوسیالیستی در قبال کار و اموال اجتماعی، نمونه باشد. خود را در جریان ساختمان جامعه نوین تجدید تربیت دهد و آبدیده سازد. و در عین حال با جدیت به تجدید تربیت و افتاع میلیون ها تولید کننده خرده پا (دهقان، پیشه ور، تاجر خرده پا، صاحب کار کوچک) بپردازد تا آنها نیز در کنار پرولتاریا در ساختمان جامعه نوین شرکت جویند و با هم به سوی سوسیالیسم و کمونیسم گام بردارند.

لنین گفته است:

" دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه ای است سخت، خونین و غیر خونین، قهرآمیز و مسالمت آمیز، نظامی و اقتصادی، تربیتی و اداری، علیه نیرو ها و سنت های جامعه کهن. " (۷)

بدین علت است که پس از کسب قدرت توسط خلق، کمونیست ها باید نه تنها دستگاه سرکوب، بلکه همچنین ارگان های کار ایدئولوژیکی، سرویس های خبری، تبلیغاتی و آموزشی را نیز محکم در دست گیرند. آنها باید مطلقاً از تصرف این ارگان ها توسط عناصر بورژوا و اپورتونیست ها که هدف شان مسموم کردن افکار عمومی، پاشیدن بذر افکار ضد حزبی و ضد انقلابی است، جلوگیری کنند. احزاب کمونیستی و کارگری که حکومت را در دست دارند، باید همواره به تقویت دیکتاتوری پرولتاریا بپردازند. ما ایمان قاطع داریم که در سیستم سوسیالیستی، در هر زمان و هر مکانی که باشد، هر گونه ایده مبهم در باره دولت دیکتاتوری پرولتاریا، هر گونه سستی و تضعیف این دیکتاتوری توسط هر وسیله ای که باشد، هر گونه تنزل و حذف نقش رهبری حزب پرولتاریا، به طور اجتناب ناپذیری موجب تشیبات ضد انقلابیون برای قداشتن مجدد و انحطاط سوسیالیسم می گردد.

تاریخ سه شکل زیر را برای دولت دیکتاتوری پرولتاریا شناخته است: کمون پاریس، شورا های روسیه و دموکراسی توده نی در بعضی کشور های آسیا و اروپای شرقی. دیکتاتوری پرولتاریا در کشور ما به شکل دموکراسی توده نی است. لنین گفته است:

" انتقال از سرمایه داری به کمونیسم بدیهی است که نمی تواند دارای اشکال سیاسی فوق العاده زیاد و جور واجور نباشد، ولی ماهیت آنها مسلماً یکی است و آن دیکتاتوری پرولتاریا " (۸)

اگر دیکتاتوری پرولتاریا تحت اشکال مختلف متولد می شود و رشد می کند، این به علت شرایط تاریخی مشخص، درجه رشد اقتصادی، تناسب قوای طبقات، ویژگی های ملی و سنت های تکامل قدرت در هر کشور است و نیز تا حدی به موقعیت سیاسی و تعادل نیرو ها در سطح جهانی بستگی دارد.

ادامه دارد

مراجعات:

- (۱) - کارل مارکس و فریدریش انگلس: "انتقاد بر برنامه گوتا و ارفورت" دفتر انتشارات. پاریس ۱۹۳۳ - ص ۳۳
- (۲) - لنین: "دولت و انقلاب"
- (۳) - لنین: "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک"، منتخب آثار جلد ۱، قسمت ۲ مسکو ۱۹۵۴ ص ۵۳
- (۴) - مسائل دیکتاتوری کارگران و دهقانان و دیکتاتوری پرولتاریا با جملات زیرین در دومین و سومین کنگره ملی حزب ما مشخص گردیده است:
- "شکل کنونی دولت ویتنام عبارت است از جمهوری دموکراتیک، محتوای آن دیکتاتوری دموکراسی توده‌ئی است. دیکتاتوری در برابر دشمن و عمال او است.
- دیکتاتوری دموکراسی توده‌ئی ما اکنون وظایف تاریخی دیکتاتوری کارگران و دهقانان را تأمین می‌کند. این دیکتاتوری سلطه امپریالیسم متجاوز و خاندان دست‌نشانده‌ئی را در هم می‌کوبد، جمهوری دموکراتیک توده‌ئی را پی‌ریزی و آن را مستحکم می‌کند، اصلاحات اراضی را به انجام می‌رساند، رژیم مالکیت ارضی فئودالی را ملغی می‌کند، لیکن هنوز به پایه‌های سرمایه‌داری در کشور دست نمی‌زند. اقتصاد ملی را توسعه می‌بخشد، رهبری طبقه کارگر و اتحاد کارگران و دهقانان را استحکام می‌دهد، همبستگی خلق ما را با نیروهای صلح‌طلب، دموکراتیک، آزادیبخش ملی و سوسیالیسم در تمام دنیا تقویت می‌کند.
- هنگامی که انقلاب ملی دموکراتیک توده‌ئی در جهت انقلاب سوسیالیستی تکامل یافت، دیکتاتوری دموکراسی توده‌ئی به دیکتاتوری پرولتاریا مبدل خواهد شد. در این هنگام، وظایف اساسی دیکتاتوری تغییر و جوهر آن نیز تغییر می‌کند" (در باره انقلاب ویتنام - گزارش نگارنده به دومین کنگره ملی، ۱۹۵۱).
- "در آخرین مرحله انقلاب ملی دموکراتیک، دولت دموکراسی توده‌ئی ما وظایف تاریخی دیکتاتوری کارگران و دهقانان را عهده‌دار گردید. پس از استقرار صلح و ورود شمال به دوره گذار به سوسیالیسم، دولت دموکراسی توده‌ئی وظایف تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا را به عهده گرفت." (در مورد چند مسأله مربوط به دولت دموکراسی توده‌ئی بیانات رفیق فام وان دون در سومین کنگره ملی ۱۹۶۰).
- (۵) - لنین: مجموعه آثار (فرانسه) جلد ۲۹، ص ۴۲۳ "ابتکار بزرگ".
- (۶) - لنین: "دروود به کارگران مجارستانی".
- (۷) - لنین: "چپ روی، بیماری کودکانه کمونیسم" - جلد ۳۱ (فرانسه)
- (۸) - لنین: "دولت و انقلاب" - جلد ۲۵ - آثار (فرانسه) - ص ۴۴۶